

بتول چراغچی، شهید روز فریادهای در خون نشسته

بود که با صدای وحشتناک تانکها، متفرق شد و عده‌ای به خیابان‌های فرعی مثل خیابان بهار رفتند اما با اعلام این خبر که ارتش به مردم ملحق شده است، جمعیت بازگشت. عده‌ای سربازان را می‌بوسیدند و شعار می‌دادند: «چرا برادر کشی؟» و «برادر ارتشی، خوش آمدی!». ناگهان گروه نظامی ارتشی به میان جمعیت آمد. فریاد مردم در میان صدای مهیب تانک‌ها محو شد و تانک‌های ارتش به مردم هجوم بردند. وقتی این اتفاقات تصورناپذیر رخ داد و مردم متوجه این توطئه و فریب شدند، دیگر امکان فکر کردن نبود. در آن روز، تعداد زیادی از تظاهرات کنندگان زیر دست و پا له شدند و برخی خفه شدند. برخی نیز همچون شهیدان غلام پیوندی و نیک فرد هدف اصابت گلوله قرار گرفتند.

در پنجاه و یک سالگی به شهادت رسید

شهید بتول چراغچی چادرش را به چادر یکی از خانم‌های دیگر گره زده بود. همین باعث شد امکان فرار از صحنه هجوم تانک‌ها برایشان فراهم نشود و هر دو زیر تانک رفتند. در حادثه این روز، نوه خانواده بر اثر شکستگی سر به بیمارستان منتقل می‌شود و بتول چراغچی به اثر عبور تانک از روی بدنش، جان خود را فدای انقلاب می‌کند و مانند بسیاری دیگر، به سوی معبود رهسپار می‌شود. پس از دو روز، از سردخانه امام رضا به بهشت رضا تشییع و در جوار دیگر شهدا دفن می‌شود. او در پنجاه و یک سالگی به شهادت رسید.

بود و دیگران را نیز به آن دعوت می‌کرد.

نوزده سالگی ازدواج کرد

او در نوزده سالگی، خانه پدری را که در خیابان بازارچه، نزدیک حرم مطهر رضوی، بود ترک کرد و به خانه بخت رفت. به این ترتیب، عباسعلی روشن‌روان که فردی متدین بود و در بالا خیابان سکونت داشت و با نجاری امرار معاش می‌کرد، پس از زیارت کربلای معلی، زندگی مشترک خود را با بتول آغاز کرد. حاصل این زندگی، پنج دختر و دو پسر شد. قبل از انقلاب، با خانواده و چهار دخترش که ازدواج کرده بودند، در تظاهرات شرکت می‌کردند. این تظاهرات‌ها ادامه داشت تا در روز آخر ماه صفر که بنا به دعوت امام امت، تظاهرات نهم دی ماه ۵۷ در مشهد صورت گرفت، روزی که فریاد زنان، مردان و کودکان معصوم به خون نشست، شعارها به موج عظیمی مبدل شد و فریاد «نصر من...» و فتح قریب» را نوید داد.

برادر ارتشی خوش آمدی

در این روز، شهید بتول چراغچی با نوه خردسالش به خیابان آمد تا آزادی خواهی خود را فریاد بزند ولی صدایش را در گلو خفه کردند. مردم برای تظاهرات، از چهارراه شهدا حرکت کردند. آن روز، تعداد بانوان خیلی زیاد بود. به همین دلیل و برای برقراری نظم و امنیت بیشتر، خانم‌ها در جلو آقایان در پشت سر قرار گرفتند. جمعیت به چهارراه استانداری رسیده

خورشید نهم دی ماه ۵۷ در حالی غروب کرد که عده‌ای از مردم انقلابی مشهد به آسمان عروج کردند و طلوع انقلاب را ندیدند اما با شهادت آن‌ها بود که انقلاب اسلامی به پیروزی در ۲۲ بهمن ۵۷ انجامید.

نامش را بتول گذاشتند

در سال ۱۳۰۶ دختری در خانواده چراغچی به دنیا آمد و این خانواده مذهبی از تولد دومین فرزند خود مسرور شدند و نامش را بتول گذاشتند. دوران خردسالی بتول در دامان پرمهر مادر گذشت و درس ایشار و از خودگذشتگی را از او آموخت. با سپری کردن دوران کودکی، تا چهارم ابتدایی تحصیل کرد ولی به دلیل پایبندی به اعتقادات اسلامی و شرایط آن زمان، از ادامه تحصیل صرف نظر کرد و در منزل، خواندن قرآن و کتب اسلامی را ادامه داد.

پدر مرحومش، نجف علی چراغچی، مسئول مسجد گوهرشاد بود. بتول اوقات فراغت خود را با کارهای هنری از قبیل قلاب بافی و گل دوزی سپری می‌کرد. رابطه حسنه‌ای با والدین داشت و ایشان را بسیار تکریم می‌کرد و در بیان عقاید و امر به معروف و نهی از منکر قاطعیت داشت. مقید به حجاب



۲۸ بهمن ۱۴۰۰
۵ رجب ۱۴۴۳ شماره ۲۶۰۰

(۸)

شهرزاد

دکتر سمانه پور محمد
پژوهشگر ارتباطات و رسانه



نگاهی به کتاب «خاطرات مریم بهروزی»
که انقلاب را با نگاهی زنانه به تصویر کشیده است

زنانی که با آتش دویده‌اند

تحت تعقیب ساواک قرار گرفت. او پس از یک ماه تحمل دوران زندان تا زمان محاکمه در دادگاه نظامی به صورت موقت آزاد شد. این ایام مقارن با بهمن ۵۷ و پیروزی انقلاب اسلامی بود. پس از انقلاب، به حزب جمهوری اسلامی زیر نظر آیتا... بهشتی پیوست. بهروزی از فعالان در زمینه تشکیل کمیته استقبال از حضرت امام خمینی (ره) و سازمان دهنده دیدار خانم‌ها با ایشان بود.

بهروزی هم‌زمان با گذراندن دوره متوسطه، فراگیری علوم دینی را تا مقدمات سطح نزد خانم اشرف السادات میردامادی، مدیر مکتب الزهراهای تهران، فراگرفت. حدود سه سال در جلسات درس خارج فقه و اصول حاج شیخ یحیی نوری شرکت کرد. چهار سال نیز در کلاس درس خارج فقه و حقوق رهبر معظم انقلاب حضور داشت. وی سال‌ها به تدریس علوم حوزوی و دانشگاهی در دانشگاه‌های شهید بهشتی، تهران و... و حوزه‌های علمیه شهید شاه‌آبادی، شهید مدنی و... اشتغال داشت.

شرکت او در دوره اول مجلس شورای اسلامی در کنار ۲۹ نفر نامزد روحانیت مبارز به احراز کرسی وکالت در مجلس شورای اسلامی انجامید و چهار دوره در مجلس شورای اسلامی حضور یافت. هم‌چنین در هفتمین مجمع عمومی جامعه زینب (س) با اکثریت آرا برای چندمین بار به سمت دبیر کلی جامعه زینب برگزیده شد.

مرحوم مریم بهروزی در شانزده سالگی با یک طلبه که از مخالفان رژیم پهلوی و مقلد امام خمینی (ره)، مفسر قرآن و مدرس علوم دینی بود، ازدواج کرد و ثمره آن چهار فرزند (دو دختر و دو پسر) بود. فرزند دوم وی، مهدی حاجی عباسی، عضو بسیج مستضعفان، در سال ۱۳۶۰ در سن شانزده سالگی به دست منافقان کوردل به شهادت رسید.

از تألیفات اوست: مجموعه پیام زینب (س)، زن در عرصه سیاست، صحیفه ولایت دارای هشت مجلد کتاب با عناوین: ۱- تساوی بر اساس عدالت ۲- نظام مردم‌سالاری دینی ۳- قطره‌ای از اقیانوس کوثر ۴- انسان در آیینه قرآن ۵- هاله‌ای از عفاف ۶- نقش زنان در دوران دفاع مقدس ۷- زینت پدر ۸- مولود کعبه.

بخش مهمی از خاطرات خانم بهروزی مربوط به اطلاعاتی نو و دست اول درباره فعالیت‌های مجلس پس از پیروزی انقلاب و تأسیس جامعه زینب (س) است. شکل‌گیری جناح‌های سیاسی در مجلس و رقابت آن‌ها، آشنایی با گروه‌ها و احزاب سیاسی و تفکرات آن‌ها از دیگر مسائلی است که خانم بهروزی در این کتاب به تشریح آن‌ها پرداخته است.

کتاب «خاطرات مریم بهروزی» به قلم حکیمه امیری روایت زندگی و خاطرات مرحوم مریم بهروزی، دبیرکل جامعه زینب و عضو شاخص زنان اصول گراست که از سوی انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی در هزار نسخه منتشر شده است.

مریم بهروزی متولد سال ۱۳۲۴ بود و ۱۰ سال پیش در چنین روزهایی، یعنی بیست و نهم بهمن ۱۳۹۰ در شصت و شش سالگی در پی ابتلا به عارضه سرطان درگذشت. او در سال‌های پایانی عمر تلاش‌هایی جدی در مسیر ورود زنان متعهد و متخصص و کارآمد به مجلس شورای اسلامی و بر عهده گرفتن نقش‌های مهم و اساسی داشت و در این راستا خود و تشکل متبوعش (جامعه زینب) به همراه شورای احزاب زنان اصول‌گرا با شخصیت‌های مؤثر و شاخص در عرصه سیاست رایزنی‌ها و دیدارهایی داشتند. وی از دوران کودکی همراه با پدر در جلسات و نشست‌های دینی-سیاسی شرکت می‌کرد و از سال ۵۰ به طور مستقیم وارد مبارزات سیاسی علیه رژیم ستمشاهی پهلوی شد. در سال ۵۴ در جریان سخنرانی‌های مذهبی-سیاسی ممنوع المنبر شد و



خاطرات مریم بهروزی
• نویسنده: حکیمه امیری

ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیرعامل:
سیدمیتهم موسوی مهر
سرمدیر:
ارژنگ حاتمی
مسئول ضمیمه:
حمیده وحیدی